

حقوق مالکیت صنعتی: تفسیری بر راهکارهای کیفی قوانین ایران

میثم اکبری دهنو^{۱*}، آسیه اکبری^۲

۱- دانشجوی کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران

۲- مدرس دانشگاه و پژوهشگر علوم اجتماعی

چکیده

یکی از ابزارهای مهم در مسیر توسعه اقتصادی کشور، حقوق مالکیت صنعتی است. نظام‌های حقوقی مختلف راهکارهای متنوعی را جهت حمایت از مالکیت صنعتی تدارک دیده‌اند که از جمله این راهکارها، حمایت‌های حقوقی کیفی از حقوق مالکیت صنعتی است. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، ظرفیت حقوق کیفی ایران از منظر حمایت از حقوق مالکیت صنعتی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. از یک سو کوشش می‌شود مولفه‌های جزایی موجود در راستای حمایت از این حقوق مشخص شود، از سوی دیگر کاستی‌های حقوق داخلی در مورد حمایت کیفی از حقوق مالکیت صنعتی بررسی و در این راستا پیشنهاداتی ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها: حقوق مالکیت صنعتی، حقوق کیفی، قانون، جرم، مجازات

۱- مقدمه

علامت تجاری و یا نشانه جغرافیایی تولید گشته‌اند ممانعت به‌عمل آورند.

واضح است که تحقق این اهداف بدون حقوق مالکیت صنعتی میسر نخواهد بود. به همین جهت یکی از مبانی اساسی برای تشکیل سازمان تجارت جهانی چالش‌های مربوط به حقوق مالکیت فکری^۱ و بخصوص حقوق مالکیت صنعتی بوده است.^۲ حقوق مالکیت صنعتی ناظر بر حقوقی است که بهره‌برداری مادی و معنوی صاحب حق را از آثار فکری که در زمینه تجاری و صنعتی آفریده است، ممکن می‌سازد [۲].

در دنیای کنونی به همان میزان که سهم کالاهای مشمول حقوق مالکیت صنعتی در مبادلات تجاری فزونی یافته، خطر تعدی نسبت به این حقوق نیز افزایش پیدا کرده است. به بیان

با نگاهی گذرا به آنچه در عرصه اقتصاد و سیاست می‌گذرد، می‌توان بدرستی به این نکته نائل آمد که یکی از موضوعاتی که مشخصاً در بستر و قانون توجه کشورهای جهان قرار گرفته است مقوله جهانی شدن، به‌خصوص در عرصه تجارت و اقتصاد است. یکی از بازیگران اصلی این فرآیند (جهانی شدن)، شرکت‌ها و موسساتی هستند که می‌کوشند با رقابت، همدیگر را مغلوب ساخته و سود بیشتری را در بستر مبادلات تجارت جهانی به خود اختصاص دهند.

از یک سو سعی می‌شود که با تمسک به اختراعات و دستاوردهای نوین، محصولات و فراورده‌های خویش را بهبود بخشند و تمام تلاش خویش را برای ترویج نام و علائم تجاری خویش به کار می‌بندند. و از سویی دیگر از تولید، عرضه و واردات کالاهای متقلبانه‌ای که بر اساس آن فرمول،

1- Intellectual Property Rights

۲- امروزه یکی از حوزه‌های مناقشه‌انگیز میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته چالش بر سر حمایت از این حقوق است؛ کشورهای توسعه یافته برای مختل نشدن روند توسعه خویش، خواهان حمایتی تمام عیار از این حقوق اند و کشورهای در حال توسعه خواستار تعدیل محدودیت‌هایی هستند که بدنبال این حقوق اجرا می‌شود [۱].

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: meysam.dehno@gmail.com

۲- کارآمدی راهکار کفیری در نقض حقوق مالکیت

صنعتی

در صورت نقض حقوق مالکیت صنعتی، متمسک گشتن به راهکار کفیری بهتر از دیگر راهکارها خواهد بود می توان دلایل زیر را جهت اثبات این مدعا برشمرد:

۱. بدون شک تجاوز به حقوق مالکیت صنعتی، رفتاری است ضد اجتماعی؛ در این گونه موارد (حدوث رفتار ضد اجتماعی)، حاکمیت موظف است که با اتخاذ راهکارهای مناسب، بار دیگر لزوم احترام به هنجارهای اجتماعی را به آن جامعه گوشزد کند [۵].

۲. حمایت در راهکار مدنی، منحصرأ از بابت تعدی به حقوق خود مالک حق است. در جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی، افزون بر منافع صاحبان حق، می‌بایست به منافع عمومی جامعه توجه شود؛ چه آنکه در شرایط کنونی حمایت از این حقوق تأثیر فراوانی بر توسعه اجتماعی، اقتصادی و صنعتی جوامع بر جای خواهد گذاشت: [۶]

- **به لحاظ اجتماعی:** پدید آمدن خلاقیت و نوآوری، به‌عنوان یکی از شاخصه های اصلی توسعه اجتماعی، منوط به حمایت همه جانبه از این حقوق است؛ متقابلاً عدم توجه قانون‌گذار به حمایت کافی از این حقوق نتیجه ای جز ایستایی و عدم پویایی نخواهد داشت؛ زیرا روحیه ابتکار، خلاقیت از میان رفته خواهد رفت.

- **به لحاظ اقتصادی:** حمایت از این حقوق موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاران خارجی بدون دغدغه سرمایه‌ها و فناوری‌های روز خود را به کشورهای در حال توسعه انتقال داده و نهایتاً رشد و شکوفایی اقتصادی را به بار آورد. در نقطه مقابل، عدم حمایت باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران، رغبت چندانی برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مهم اقتصادی نداشته و از این جهت امنیت اقتصادی با چالشی مواجه شود.

- **به لحاظ صنعتی:** عدم حمایت از حقوق مالکیت صنعتی موجب رکود در صنایع کشور خواهد شد؛ چه آنکه یکی از ملاک‌های شرکت‌های خارجی جهت انتقال صنایع و فناوری‌های خویش به کشورهای در حال توسعه؛ توجه به میزان حمایت قوانین آن کشور از تعرض و تجاوز به این دسته از حقوق است.

دیگر همانگونه که حمایت و متعاقب آن پیشرفت حقوق مالکیت صنعتی در هر جامعه‌ای نقش بی بدیلی در توسعه و پیشرفت اقتصادی، صنعتی، و تجاری دارد، نادیده گرفتن این حقوق نیز آثار زیانباری بر پیکره آن جامعه به جای خواهد گذاشت برای مثال تولیدکننده کالایی با کیفیت پائین با نقض یک علامت تجاری شناخته شده و مرغوب، ضمن محروم نمودن جامعه از استفاده از آن کالای مرغوب، موجبات عدم رغبت آن تولیدکننده را به ادامه فعالیت را نیز فراهم می‌آورد [۳] به همین جهت نظام های حقوقی مختلف همواره در پی طریقی برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی بوده‌اند. این حمایت‌ها در قالب ضمانت اجراهای مدنی، اداری و کفیری به منصف ظهور می‌رسد:

• در ضمانت اجرای مدنی جلوگیری از وقوع نقض و در صورت وقوع نقض، از یک سو منع از ادامه آن و از سوی دیگر محاسبه میزان خسارت وارد شده به مالک حق مورد توجه است [۴].

• ضمانت اجرای اداری، بدنبال تخلف و تعدی نسبت به جنبه اداری (مانند گمرکی) حقوق مالکیت صنعتی و توسط مقامات اداری اعمال می‌شود [۲].

• در صورتی که نقض حق با سوء نیت همراه بوده و علاوه بر حقوق مالک حق، حقوق جامعه نیز مورد هجمه قرارگیرد، راهکار کفیری برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی مطرح شود.

در تقابل این سه ضمانت اجرا، کارآمدی راهکار کفیری برای حمایت از حقوق مالکیت صنعتی می‌تواند بهتر جلوه نماید. اما قبل از آنکه به ذکر دلایلی برای اثبات این ادعا پردازیم، یادآوری می‌شود که در این مقاله به بررسی ظرفیت‌های کنونی حقوق کفیری جهت حمایت از حقوق مزبور می‌پردازیم، تا در این رهگذر ضمن برشماری نقاط ضعف و قوت این حمایت به تبیین راهکارهایی مبادرت شود که منجر به کارآمدی حمایت کفیری از حقوق مالکیت صنعتی می‌شوند^۱.

۱- هنگامی که صحبت از حقوق مالکیت صنعتی به میان می‌آید چهار حوزه اختراعات، علائم تجاری، اسرار تجاری و نشانه‌های جغرافیایی، بیش از سایر حوزه‌های حقوق مالکیت صنعتی در کانون توجه قرار می‌گیرند، بدین روی مناسب دیده شد که در این نوشتار، به حمایت کفیری، از حقوق مالکیت صنعتی با تکیه بر این چهار حوزه پرداخته شود.

کیفری در مقایسه با قرار تأمین خواسته حقوقی این است که صدور این قرار، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی و خسارت احتمالی نیست^۴ و این قرار غیر قابل اعتراض است^۵؛ به علاوه، حتی زیان دیده‌ای که ضرر و زیان خویش را نیز مطالبه ننموده است خواهد توانست تأمین ضرر و زیان خویش را مطالبه نماید [۷].

در خلال رسیدگی دادگاه به نقض حقوق مالکیت صنعتی، تمسک به اقدامات فوری در پاره‌ای از موارد ضرورتی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ به‌طور مثال چگونه می‌توان قبول کرد که شخصی با نقض حق مخترع و یا دارنده علامت تجاری تا زمان صدور حکم دادگاه همچنان به فعالیت خویش ادامه داده و با وجود اقدام قانونی صاحب حق همچنان حقوق وی را تضييع نماید [۸].

با وجود سکوت مقررات آئین دادرسی کیفری^۶ در باب جواز صدور دستور موقت، لیکن در اقدامی قابل تأیید در ماده ۱۸۳ آیین نامه اجرایی ق. ت. ا. ط. ع. (۱۳۸۶)^۷ به این مهم توجه شده است:

«در دعای ... کیفری راجع به حقوق حاصله از ثبت اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری، معترض می‌تواند از مراجع قضایی، اعم از دادگاه یا دادسرا که پرونده در آنجا مطرح است درخواست ... دستور توقیف محصولات ناقض حقوق ادعایی و تقاضای صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت، فروش یا ورود این محصولات را بنماید».

مزایای دستور موقت در شکایات کیفری نقض حقوق مالکیت صنعتی، نسبت به دستور موقت شناخته شده در قانون آئین

۳. در قالب راهکار کیفری، امکان استفاده از راهکار مدنی نیز وجود دارد، اما عکس آن ممکن نیست. از این رو، با طریق کیفری می‌توان دو هدف را با یک تیر نشانه رفت؛ هم متخلف را مجازات کرد و هم ضرر و زیان ناشی از نقض حق را از او مطالبه نمود. چنانچه به هر نحوی (برای مثال به لحاظ عدم احراز عنصر روانی) متهم از اتهام نقض حقوق مالکیت صنعتی برائت یافت، تمسک به مطلوب دیگر؛ که همان مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم (راهکار مدنی) است برای زیان دیده وجود دارد.^۱

۴. در مورد تجاوز به حقوق مالکیت صنعتی، تکیه بر راهکار مدنی نمی‌تواند جنبه بازدارندگی چندانی در پی داشته باشد؛ چه آنکه متجاوزین، در ازای تجاوز خویش به حق صنعتی خسارت ناچیزی را در مقایسه با سود حاصله از رهگذر این تجاوز به صاحب حق پرداخت می‌نمایند؛ از این رو راهکارهای مدنی نظیر جبران خسارت نمی‌توانند در کاهش انگیزه نقض حقوق مالکیت صنعتی تأثیر چندانی داشته باشد.

۳- راهکارهای عمومی حمایت کیفری از حقوق مالکیت صنعتی

در انواع مختلف ارتکاب جرم علیه حقوق مالکیت صنعتی می‌توان موضوعاتی را متصور گشت که در قالب راهکار کیفری حمایت از این حقوق، به نحو موثری هم حقوق متضرر از جرم را مورد حمایت قرار داد؛ و هم بزهکار را در قبال تخطی خویش مورد بازخواست قرار داد.

ضمن اشاره به هرکدام از این موضوعات، در باب هریک به اقتضاء این نوشتار توضیحاتی را ارائه خواهیم داد:

۳-۱ اقدامات تأمینی و فوری؛ جهت حفظ حقوق زیان دیده

زیان دیده می‌تواند ضمن طرح شکایت، تأمین ضرر و زیان ناشی از نقض حقوق مالکیت صنعتی خویش را از مرجع رسیدگی کننده^۲ تقاضا نماید^۳؛ مزیت قرار تأمین خواسته

۱- مطابق رأی وحدت رویه ۶۴۹-۷۹/۷/۵؛ با وجود منتهی گشتن شکایت به موقوفی تعقیب و یا برائت، باز هم می‌بایست نسبت به ضرر و زیان شاکی خصوصی اظهار نظر شود.

۲- صدور قرار تأمین خواسته علاوه بر دادگاه، در دادسرا نیز ممکن است.

۳- ماده ۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری

۴- در ماده ۱۸۳ آیین نامه اجرایی ق. ت. ا. ط. ع. صدور قرار تأمین دلیل منوط به پرداخت خسارت احتمالی (تضمین) گردیده است؛ بدیهی است که تأمین دلیل، نهادی جدا نسبت به تأمین خواسته است.

۵- قرار تأمین خواسته صادره از سوی دادگاه قطعی است اما اگر این قرار در دادسرا صادر شود ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض است.

۶- در لایحه جدید آئین دادرسی کیفری در اقدامی قابل قبول، از این نهاد جهت جلوگیری از ادامه فعالیت شرکت‌ها و کارخانجاتی که مرتکب اعمال مجرمانه شده‌اند (که بخشی از آن به نقض حقوق مالکیت صنعتی بر می‌گردد) استفاده شده است. مطابق ماده ۱۱۴ این لایحه «جلوگیری از تمام و یا بخشی از فعالیت شرکت‌های تجاری و کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی ... (در صورتی ممکن است) که متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر سلامت، مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی جامعه باشد».

۷- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶

امکان حصول آنها برای زیان دیده وجود داشته است^۵؛ به همین جهت حکم به پرداخت جبران خسارت از سوی مجرم در این دسته از جرائم امری کاملاً منطقی خواهد بود؛ با این حال، این دسته از زیان‌ها بطور مطلق قابلیت مطالبه را نخواهند داشت. به دیگر سخن، می‌بایست میان خسارات ناشی از عدم‌النفع (منافع محتمل‌الحصول) و عدم‌النفع (منافع ممکن‌الحصول) تفاوت قائل شد؛ زیرا قسم اول به موجب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آئین دادرسی مدنی غیر قابل مطالبه شناخته شده؛ لیکن قسم دوم به موجب بند ۲ ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری قابل مطالبه شناخته شده است.^۶ با این استدلال، می‌بایست اطلاق صدور حکم به پرداخت خسارت در ماده ۶۰ و ۶۱ ق. ت. ا. ط. ع. را مربوط به منافی دانست که زیان‌دیده به‌طور مسلم از آن محروم شده‌است. البته عده‌ای نیز با تکیه بر اطلاق واژه خسارت در مواد ۶۰ و ۶۱ هر دو خسارت فوق را برای زیان‌دیده قابل مطالبه می‌دانند [۱۰].

اصلاح قانون از این جهت، بهتر می‌تواند منظور مقنن را رسانیده و با دیگر قوانین مطابقت داشته باشد.^۷

۳-۳ تأثیر گذشت زیان دیده در جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی

بحث بر سر این مطلب است که اساساً جرائم علیه نقض حقوق مالکیت صنعتی را می‌بایست در زمره جرائم قابل گذشت و یا غیر قابل گذشت قرار داد؟

اساساً یکی از نقایص تقنین قوانین کیفری در نظام حقوقی ایران، عدم پیش بینی قابل گذشت بودن برخی از جرائم است؛ زیرا مقنن برای برشمردن جرائم قابل گذشت از معیار احصاء قانونی و نه تعیین ضابطه بهره گرفته است [۹]؛ پس ناگزیر در هر موردی که به یک جرم‌انگاری جدید مبادرت

دادرسی مدنی (موضوع مواد ۳۱۰ به بعد این قانون)، را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. مطابق تبصره ۱ ماده ۱۸۴ آئین نامه اجرایی؛ دادسرا نیز می‌تواند نسبت به صدور این دستور اقدام نماید.
 ۲. متقاضی دستور باید ظرف ۳۰ روز پس از اخذ دستور نسبت به طرح شکایت اقدام نماید (ماده ۱۸۴ آئین‌نامه).^۱
 ۳. مراجع قضایی موظفند نسبت به قبول تقاضای مذکور موافقت نمایند (ماده ۱۸۳ آئین نامه).
 ۴. مرجع صادر کننده دستور موقت؛ الزامی به اخذ خسارت احتمالی از متقاضی دستور ندارند.^۲
- در اصلاحات احتمالی ق. ت. ا. ط. ع. بهتر است که بهره‌گیری از این راهکار، در خود قانون و نه آئین نامه آن مورد پیش‌بینی قرار بگیرد.

۲-۳ مطالبه ضرر و زیان ناشی از وقوع جرم

شکای می‌تواند با تقدیم دادخواست به مرجع کیفری، خسارت ناشی از ارتکاب جرم را درخواست نماید؛ مرجع کیفری نیز مکلف است که نسبت به ضرر و زیان ناشی از ارتکاب جرم اظهار نظر نماید.

خسارت مورد مطالبه را می‌توان مطابق ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری به ضرر و زیان مادی^۳ و ضرر و زیان ناشی از محروم شدن از منافع ممکن‌الحصول^۴ تقسیم کرد.

در جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی این سوال مطرح است که زیان دیده علاوه بر زیان مادی، می‌تواند زیان ناشی از محروم شدن از منافع ممکن‌الحصول را نیز مورد مطالبه قرار دهد؟

در پاره‌ای از جرائم فوق، ممکن است بخش اعظمی از منافی که زیان‌دیده از آن محروم می‌شود منافی باشد که در آینده

۵- ای بسا نقض حقوق مخترعی که به تازگی اختراع خویش را پدید آورده؛ منجر به محروم گشتن وی از منافع فراوانی شود که امکان تحصیل آن در آینده برای وی وجود داشت.

۶- اداره حقوقی دادگستری نیز در نظریه‌های متعددی، این تفسیر را از «عدم‌النفع» ارائه نموده است. برای نمونه بنگرید به نظریه‌های: ۷/۷۹۰۴ - ۸۳/۱۰/۲۱؛ و ۷/۷۳۳۹ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲؛ ۷/۱۲۲۴۳ مورخ ۱۳۷۹/۱۲/۲۱؛ و ۷/۱۱۰۸۱ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۴.

۷- برای مثال در حقوق انگلیس، مالک حق اختراع می‌تواند با استناد به بازارهای فروش از دست رفته از متجاوز مطالبه خسارت نماید [۱۱].

۱- یکی از مزیت‌های دستور موقت در جریان شکایات علیه نقض حقوق مالکیت صنعتی همین ویژگی است؛ زیرا در ماده ۳۱۸ متقاضی تأمین می‌بایست ظرف ۲۰ روز در دادگاه صالحه طرح دعوا نماید.

۲- در ماده ۳۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی؛ دادگاه مکلف به اخذ خسارت احتمالی از متقاضی تأمین شده است.

۳- منظور از ضرر و زیان، خساراتی است که به دارایی شخص وارد می‌شود [۹].

۴- منظور، زیان ناشی از محروم شدن از منافی است، که جریان و روال عادی امور منجر به بوجود آمدن آنها می‌شد [۹].

- اما اگر صرفنظر از گذشت شاکی، نتوان از منافع جامعه صرفنظر کرد، بدون شک می‌بایست قائل به غیر قابل گذشت بودن جرم علیه حقوق مالکیت صنعتی شد، در جرائمی که منجر به نقض حقوق دارنده علامت تجاری و یا نشانه جغرافیایی می‌شود این استدلال به خوبی رخ می‌نماید.

به هر حال اصلاح قانون از این جهت بهتر از هر تفسیری خواهد بود.

۳-۴ ضبط و مصادره اموال تحصیلی ناشی از وقوع جرم

یکی دیگر از راهکارهای که از منظر سیاست جنایی دارای اهمیت فراوانی در مقوله پیشگیری از وقوع جرم است، مصادره و ضبط اموال ناشی از وقوع جرم است [۱۳].

در ماده ۶۱ تریپس^۴ از اعمال ضمانت اجراهایی نظیر: توقیف، توقیف، ضبط، معدوم کردن اموال تحصیلی ناشی از وقوع جرم علیه حقوق مالکیت صنعتی، صحبت به میان آمده؛ ولی ق. ث. ا. ط. ع. (۱۳۸۶) در این باره امری را پیش‌بینی ننموده است؛ اما می‌توان با استناد به ماده ۱۰ ق. م. ا. (۱۳۷۵)^۵ از این طریق جزایی نیز جهت مجازات مرتکبین جرائم علیه نقض حقوق مالکیت صنعتی بهره گرفت. راهکار بهتر در این زمینه پیش‌بینی مقرراتی در خود قانون ثبت اختراعات است.

۳-۵ حق دسترسی به اطلاعات

یکی از مقررات سودمندی که در موافقتنامه تریپس مطرح شده «حق دسترسی به اطلاعات» است؛ در ماده ۴۷ این موافقتنامه به مقامات قضایی این اختیار داده شده است که به متجاوز دستور دهند، هویت اشخاصی که بطور کلی در زمینه نقض حقوق مالکیت صنعتی اقدام می‌نمایند را در اختیار زیان دیده قرار دهد. مالک نیز از طریق این اطلاعات راحت‌تر می‌تواند ترتیبات مقتضی را برای جلوگیری از نقض حقوق خویش اتخاذ نماید.

می‌گردد باید به این امر نیز توجه شود. این ایراد در قانون ق. ث. ا. ط. ع. صورت گرفته و اشاره‌ای به قابل گذشت بودن و یا نبودن جرائم مندرج در این قانون نرفته است.^۱

در شرایط کنونی ممکن است قائل به غیر قابل گذشت بودن جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی شد؛ زیرا^۲:

• صاحب‌نظران اصل را بر غیر قابل گذشت بودن جرائم قرار می‌دهند [۹]؛

• جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی آثار مخربی را بر پیکره جامعه بر جای خواهد گذاشت، بنابراین می‌بایست حتی در فرض گذشت زیان دیده، ناقض حقوق مالکیت صنعتی از بابت تعدی به حقوق جامعه مجازات شود.

نیز ممکن است در شرایط کنونی قائل به قابل گذشت بودن این جرائم شد:

- در جرائم مالی که جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی نیز از اقسام آن است؛ می‌بایست اصل بر قابل گذشت بودن گذاشته شود [۱۲]، و

- در پاره‌ای از جرائم علیه حقوق مالکیت فکری، جرم قابل گذشت قلمداد گردیده است.^۳

در مقام داوری میان این دو نظر و در تفکری برتر؛ می‌توان چنین نظر داد که اساساً جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی، مخدوش شدن منافع جامعه را نیز در پی دارد، حال:

- اگر بخش قابل توجهی از زیان ناشی از ارتکاب جرم بر خود زیان دیده وارد شده باشد و با گذشت وی، بتوان با اغماض از منافع جامعه نیز صرفنظر کرد می‌بایست قائل به قابل گذشت بودن شد؛ در نقض حقوق مخترع و مبتکرین نرم‌افزارهای رایانه‌ای این استدلال می‌تواند مصداق داشته باشد.

۱- یکی دیگر از دلایلی که نگارنده ترجیح داد در پانوش بدان اشاره کند؛ آراء وحدت رویه در مورد پاره‌ای از جرائمی است که غیر قابل گذشت دانسته شده‌اند؛ نظیر سرقت (رای شماره: ۵۳۰-۱۳۶۸/۱۲/۱)، خیانت در امانت (رای شماره: ۵۹۱-۱۳۷۳/۱/۱۶)، و کلاهبرداری (رای شماره: ۵۲-۱۳۶۳/۱۱/۱). این جرائم در پاره‌ای از وجوه شبیه جرائم منتهی به نقض حقوق مالکیت صنعتی‌اند. با وجود این ممکن است در نقطه مقابل گفته شود که آرای دیوان عالی می‌بایست در موضع خود و نه بیشتر مورد تفسیر واقع شوند.

۲- در ترکیه با رضایت زیان دیده، جریان شکایت علیه متخلف متوقف نمی‌شود.

۳- مطابق ماده ۱۵ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، رسیدگی با شکایت شاکی خصوصی آغاز و با گذشت او موقوف می‌شود.

4- Trade Related Aspect of Intellectual Property Rights (Trips)

۵- قانون مجازات اسلامی

ج) **جدید بودن**؛^۸ بدین معنا که اختراع نباید قبلاً توسط فرد دیگری اختراع شده و یا حداقل به طور عمومی افشا شده باشد. لذا اختراع مورد نظر تا تاریخ تسلیم تقاضانامه نیاستی به وسیله علوم و فنون موجود پیش‌بینی و یا مطرح شده باشد. این شرط را می‌توان از بند ه ماده ۴ ق. ث. ا. ط. ع. (۱۳۸۶) برداشت نمود.^۹

پاره ای از نظام‌های حقوقی، غالباً از طرق مدنی برای حل و فصل اختلافات ناشی از نقض حقوق مخترعین بهره می‌گیرند [۱۵] لذا در این دسته از نظام‌ها ضمانت اجرای کیفری برای نقض حق اختراع در نظر گرفته نشده و منحصراً خسارت مدنی قابل مطالبه دانسته شده است [۴]. با وجودی که نظام حقوقی اختراعات ایران از این شیوه متابعت ننموده لیکن قوانین جزایی قابل توجهی در زمینه حمایت از اختراعات نیز در آن به چشم نمی‌خورد و تا قبل از ق. ث. ا. ط. ع. (۱۳۸۶)، قانون‌گذار ایرانی خواسته یا ناخواسته از این شیوه پیروی می‌نمود؛ زیرا در قانون سال ۱۳۱۰، راهکاری کیفری که حقوق مخترع را مورد حمایت قرار دهد پیش‌بینی نشده بود، این در حالی بود که جز در قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲، که آن هم بوسیله ق. م. ا. (۱۳۷۵)، ملغی‌الاثراً شد دیگر هیچ نص قابل اتکائی که حمایت کیفری از حقوق مخترعین را تضمین کند وجود نداشت.

اما در قانون ق. ث. ا. ط. ع. (۱۳۸۶)، قانون‌گذار این خلأ قانونی را احساس و در ماده ۶۱ مبادرت به حمایت کیفری از حقوق مخترعین نمود. مطابق ماده ۶۱ ق. ث. ا. ط. ع.:

«هر شخصی که با علم و عمد مرتکب عملی شود که طبق مواد (۱۵)، (۲۸)، و (۴۰) نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده (۴۷) عمل غیرقانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و ...»
ذکر نکات ذیل، کیفیت حمایت‌های کیفری از حقوق مخترعین را بهتر می‌تواند روشن نماید:

۱. وفق ماده ۶۰ ق. ث. ا. ط. ع. نقض حقوق مندرج در این قانون عبارت است از انجام هرگونه فعلیتی در ایران که

می‌توان چنین برداشت کرد که زیان‌دیده می‌تواند از دادگاه چنین درخواستی را بنماید. البته بهره‌گیری از این راهکار در تجاوزهای قابل توجیه است که با اهمیت^۱ باشد.

در مقررات داخلی چنین امری پیش‌بینی نشده است و شایسته است در اصلاحات احتمالی، این ترتیب سودمند مورد توجه قرار بگیرد.

۴- حق اختراع^۲

حق اختراع حقی است انحصاری و موقت که به ثبت کننده یک اثر ابداعی تعلق می‌گیرد. [۱۴] از این رو اختراع حاصل تفکرات مخترع است که راه حل عملی برای یک مساله به صورت فرآورده^۳ و یا فرآیند^۴ با توجه به یک فناوری، ارائه می‌کند.

تعقیب کیفری فرد ناقض حقوق مخترع، منوط به تحصیل گواهینامه اختراع (ثبت اختراع) است؛ پس اگر شخصی قبل از ثبت و انتشار اختراع، جرمی را نسبت اختراع دیگری انجام دهد، از جهت «نقض حقوق مخترع» قابل تعقیب کیفری نخواهد بود.^۵

البته برای ثبت اختراع، ملزومات ماهوی سه‌گانه‌ای لازم است که مختصراً به آنها اشاره می‌شود:

الف) **ابتکاری بودن**؛^۶ مراد این است که اطلاعات و دانش موجود نباید برای شخصی که در آن رشته مهارت دارد یک امر بدیهی و آشکار باشد.

ب) **کاربرد صنعتی**؛^۷ منظور از این شرط این است که اختراع زمانی قابل حمایت است که دارای کاربرد علمی و فنی در شاخه‌ای از گستره پهنای صنعت و فناوری (به عام‌ترین مفهوم) باشد و بدون چنین شرطی فلسفه برقراری حق انحصاری برای مبدع آن اثر بلا توجیه خواهد بود [۱۱].

۱- مراد از با اهمیت بودن این است که تجاوز منتهی به ضرری قابل توجه باشد.

2- Patent
3- Product
4- Process

۵- با حصول شرایطی بهره مندی از راهکار مدنی ممکن است: در رای شماره ۱۸۷-۸۱/۲/۱۹ شعبه ۳ دادگاه حقوقی تهران: با استناد به استمرار خواهان (مخترع) در استفاده طولانی مدت از اختراع خود (بدون ثبت آن)، فعالیت‌های خوانده (ناقض) متوقف شده است؛ شعبه ۱۸ دادگاه تجدیدنظر این رای را عیناً تأیید نموده است.

6- inventive Step
7- Industrial Application

8- New or Novel

۹- طبق بند ۱ از ماده ۲۷ موافقتنامه تریپس «... گواهی‌های اختراع برای هر اختراع، اعم از فرآورده و یا فرآیند، می‌باید در کلیه زمینه‌ها قابل دسترسی بوده باشد، مشروط بر اینکه جدید ... بوده ... باشد».

۵. با توجه به اصل سرزمینی بودن حق اختراع^۳، تعقیب متخلف در صورتی ممکن است که اعمال ارتكابی منتهی به نقض در ایران صورت گرفته باشد.

۶. با توجه به قسمت اخیر بند «ب» ماده ۱۵ ق. ت. ا. ط. ع، یکی از اعمالی که منافی حقوق دارنده ورقه اختراع است نقض قریب الوقوع است؛ [۱۰] با این توضیح که «مالک ... می تواند علیه هر شخص که بدون اجازه او بهره برداری هایی ... انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند».

در ماده ۶۱ ق. ت. ا. ط. ع، مقنن با ارجاع به ماده ۱۵؛ اعمال منتهی به نقض حق مخترع را مورد جرم انگاری قرار داده است. حال سوال مطرح این است که نقض قریب الوقوع نیز می تواند مشمول ماده ۶۱ بوده و قابل مجازات باشد؟

شاید با شروع به جرم^۴ قلمداد نمودن نقض قریب الوقوع، و نیز اطلاق ارجاع قانونگذار به ماده ۱۵، به این سوال پاسخ مثبت داده شود؛ لیکن در واقع می بایست این توهّم را از ذهن زدود؛ زیرا اگر مقنن قصد جرم انگاری نقض قریب الوقوع را می داشت، لاجرم باید مجازات آنرا نیز پیش بینی می کرد؛ چه آنکه اعمال مجازات جرم اصلی بر جرم شروع به اجرا (در بحث ما نقض قریب الوقوع) با اصول حقوق جزا مخالف خواهد بود [۱۸]. به علاوه در ماده ۶۱؛ مقنن اعمالی را در ماده ۱۵ در نظر داشته که منتهی به «نقض حق» دارنده حق اختراع شود و این در حالی است که در نقض قریب الوقوع هنوز نقضی پدیدار نگشته است.

۱۱. یکی از ایرادات وارد بر ماده این است که میان تجاوز به حقوق مخترع و مجازات این تجاوز (اعم از حبس و جزای نقدی) تناسب نیست؛ برای مثال آیا در مورد نقض حقوق مخترعی که اختراع او به قیمت هنگفتی می توانست مورد دادوستد واقع شود، مجازات نقدی اندک فوق می تواند عادلانه باشد؟^۵

توسط اشخاصی غیر از مالک حقوق تحت حمایت این قانون و بدون موافقت او انجام می گیرد. به طور کلی می توان مصادیق نقض حقوق مخترع را به این شرح احصاء نمود:

تولید غیر مجاز- نگهداری، فروش، و عرضه برای فروش غیر مجاز- واردات غیر مجاز- استعمال غیر مجاز.

۲. سوءنیت (علم و عمد) ناقض حقوق مخترع ضروری است؛ پس:

- به عنوان سوءنیت عام لازم است که ناقض بداند که این اختراع توسط دیگری ثبت و تحت حمایت قانونی است؛ و
- به عنوان سوءنیت خاص بداند که عمل او منجر به نقض حقوق مخترع می شود. هر چند که هدف او از نقض حق نیز تحقق پیدا ننموده باشد، برای مثال اگر متخلف به قصد فروش کالایی را تولید کند حتی اگر آن کالاها را به فروش نرسانیده باشد از آنجا که با ساخت آن کالاها نقض حق تحقق پیدا نموده است. می توان با استناد به ماده فوق وی را تحت تعقیب قرار داد [۱۰].

۳. در صورتی می توان متخلف را تحت تعقیب کیفری قرار داد که به دنبال مقاصد تجاری و انتفاعی، مرتکب نقض حقوق مخترع شده باشد [۱۶]. از این رو اگر شخصی با نادیده گرفتن حقوق مخترع کالایی را تولید نموده باشد که فقط حوائج شخصی خویش و یا اطرافیان خود را با آن برطرف می نماید نمی تواند قابل تعقیب جزایی باشد. در حقوق انگلیس یکی از شروط لازم برای حمایت کیفری از نقض حقوق مخترع این است که محصولات بصورت انبوه از سوی متخلف تولید شده باشد [۱۷].

۴. نقض حقوق مخترع ممکن است فرآورده و یا فرآیند را شامل شود؛ با این تفاوت که در مورد اولی جرم مطلق است^۱ و در مورد دوم، نقض حق اختراع، جرمی است مقید؛ که می بایست از سوی مدعی نقض حق، اثبات شود [۳].

۳- حق اختراع فقط در کشوری مورد حمایت است که در آن کشور اختراع به ثبت رسیده است [۱۰].

۴- هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنان چه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود.

۵- برای مثال در ماده ۱۹۶ قانون اختراعات ژاپن و نیز ماده ۲۲۵ قانون اختراعات کره جنوبی، به ترتیب مجازات ۵ و ۷ ساله حبس پیش بینی شده است.

۱- جرم مطلق: جرمی است که برای تحقق جرم، صرف احراز وقوع رفتار مادی کافی بوده و نیازمند عامل دیگری به عنوان نتیجه جرم نیست.

۲- جرم مقید: جرمی است که برای وقوع آن علاوه بر رفتار فیزیکی (مادی) تحقق عامل دیگری بعنوان نتیجه جرم، برای تکمیل رکن مادی آن لازم و ضروری است.

حقوق مادی نرم افزارها ۳۰ سال است؛ با وجود این بهره‌مندی از حقوق معنوی نرم‌افزارها به نحو مادام‌العمر است.

خلاء محسوس این قانون عدم تعیین تکلیف این حقوق پس از مرگ است که البته با اتکاء به قواعد عمومی ارث می‌توان این مشکل را برطرف کرد. به علاوه، هرچند صحبتی از به کارگیری دستور موقت در خلال رسیدگی به نقض این حقوق به میان نیامده اما می‌توان با اخذ ملاک از ماده ۲۹ قانون حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) این حق را برای زبان دیده به رسمیت شناخت.

۶- علائم تجاری

در بند الف ماده ۳۰ ق. ث. ا. ط. ع. علامت تجاری این گونه تعریف شده است:

«علامت یعنی هر نشانه قابل رویتی که بتواند کالاها یا خدمات اشخاص حقیقی یا حقوقی را از هم متمایز سازد».

علامت تجاری عبارت است از هر نشانه تمایز بخشی که کالا یا خدمات مشخصی را که بوسیله اشخاص و یا شرکت‌های تولیدی، تجاری، خدماتی ارائه می‌گردد را معرفی، و از کالا و خدمات اشخاص و شرکت‌های مشابه متمایز می‌گرداند [۱۹].

عناصر تشکیل دهنده یک علامت تجاری را در جدید و تازه بودن، ظاهر و آشکار بودن^۱، گمراه کننده نبودن^۲ خلاصه کرد. عناوین مجرمانه ناظر بر علائم تجاری، در «ق. ث. ا. ط. ع.» و در «ق. م. ا» پیش‌بینی شده است؛ که به ترتیب مورد اشاره قرار می‌گیرد:

الف- راهکار مندرج در ق. ث. ا. ط. ع.: مطابق ماده ۶۱ این قانون، متخلفینی که با علم و عمد حقوق دارندگان علائم تجاری را نقض نموده باشند به پرداخت مجازات مندرج محکوم خواهد شد.

مطابق با ماده ۳۱ و ۴۰ ق. ث. ا. ط. ع. (۱۳۸۶) حقوق ناشی از علامت منوط به ثبت علامت تجاری است و استفاده از یک علامت تجاری به کسی تعلق دارد که آن علامت را مطابق

در ماده ۶۱ موافقتنامه تریپس نیز به لزوم اعمال مجازات در مورد نقض حقوق مخترع تصریح شده است مطابق این ماده: «اعضا باید برای مقابله با حداقل جعل عمدی علامت تجاری و یا سرقت عمدی کپی رایت‌هایی که در سطح تجاری استفاده می‌شود مجازات‌هایی را تدارک ببینند. در موارد مقتضی، باید به نحو پیشگیرانه، علاوه بر جبران خسارت، متوقف نمودن فعالیت‌ها، معدوم و ضبط آثار و هرگونه مواد ابزارای که در ارتکاب جرم نقش موثری را داشته‌اند، به کار برده شود».

شایان ذکر است که با تصویب قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹)، مقنن در اقدامی قابل قبول حمایتی دو سویه را از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای به عمل آورد؛ بدین توضیح که در این قانون از دو نظام کپی‌رایت و اختراع برای حمایت از این آثار استفاده شده است:

الف- در ماده ۲ این قانون و در راستای حمایت از طریق نظام اختراع (حقوق مالکیت صنعتی) چنین می‌خوانیم: «در صورت وجود شرایط مقرر در قانون ثبت علائم و اختراعات، نرم‌افزار به‌عنوان اختراع شناخته می‌شود...»؛ حمایت از نظام اختراعات نسبت به نظام کپی رایت دارای این مزیت است که: اولاً: مخترع را در صورت نقض حقوق بوسیله متخلف، از اثبات تخلف بی‌نیاز می‌کند؛ به بیان دیگر صرف تولید و عرضه تخلف محسوب می‌شود و این در حالی است که در نظام کپی‌رایت زیان‌دیده می‌بایست بهره‌برداری غیر مجاز متخلف را به اثبات برساند. ثانیاً: با به ثبت رسیدن نرم‌افزارهای رایانه‌ای در قالب اختراع و به‌وجود آمدن انحصار بیشتر در این نظام نسبت به نظام حمایتی کپی‌رایت، حقوق افزون‌تری برای مبتکر نرم‌افزار حاصل می‌شود.

ب- در ماده ۱ این قانون؛ حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره‌برداری مادی و معنوی نرم‌افزار رایانه‌ای متعلق به پدیدآورنده دانسته شده است، در ماده ۱۳ نیز برای متعرضین به این حقوق علاوه بر الزام به جبران خسارت، حبس از نود و یک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ۱۰ میلیون ریال تا ۵۰ میلیون ریال در نظر گرفته شده است. مدت حمایت

1- Being clear
2- Not misleading

جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد:

۱ ... و

۲. مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت‌ها یا موسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی.»

در مورد استفاده از علامت تجاری مجعول، ماده ۵۲۹ از همان قانون مقرر می‌دارد:

«هرکس... علامت یکی از... تجارتخانه‌ها را با علم به جعل استفاده نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم می‌شود.»

برای تحقق جعل علامت تجاری لازم است نکات زیر ملحوظ خاطر باشد:

۱. جعل علامت تجاری مستلزم ثبت آن نخواهد بود؛ زیرا در مواد ۵۲۵ و ۵۲۹ ق. م. ا. به خلاف بزه نقض حقوق مالکیت صنعتی (۶۱ ق. ث. ا. ط. ع.) به این لزوم تصریحی نرفته است. اما در مقام ایجاد ضابطه می‌توان گفت که فقط جعل علامت تجاری معروف قابل تعقیب خواهند بود.

۲. در جعل علامت تجاری لازم است طبق ضابطه موجود در سایر اقسام جعل امکان مشتبه شدن و عدم تشخیص عرفی علامت تجاری مجعول از اصیل وجود داشته باشد [۲۱].

ب) استعمال غیر مجاز علامت تجاری: مطابق ماده ۵۳۰ ق. م. ا. چنانچه استفاده‌کننده بدون ارتکاب جعل، صرفاً پس از تحصیل، آنرا به نحو غیر مجازی مورد استفاده قرار دهد مورد تعقیب کیفری قرار خواهد گرفت.

ج) مطابق دیدگاه غالب دکترین حقوق کیفری، قید عبارت «هرنوع وسیله تقلبی دیگر» در ماده ۱ ق. ت. م. ا. ک. ۷ (۱۳۶۴) موید این نکته است که استفاده از هرگونه وسیله‌ای که عرفاً متقلبان محسوب می‌شود، می‌تواند موجب تحقق عنصر مادی جرم کلاهبرداری شود [۲۱].

در آراء متفاوتی از دیوان عالی کشور نیز مغرور نمودن دیگری از طریق امور تقلبی^۸ و نیز امیدوار نمودن و فریب دادن

مقررات به ثبت رسانده باشد^۱. با وجود این، مطابق بند «ه» ماده ۳۲ ق. ث. ا. ط. ع. (۱۳۸۶) «علائم معروف» قابل حمایت دانسته شده‌اند؛ لیکن این حمایت را می‌بایست حمایتی ناقص پنداشت چرا که مطابق ماده ۴۰ ق. ث. ا. ط. ع. (۱۳۸۶) پیش‌شرط بهره‌مندی از حقوق مربوط به علائم تجاری و بخصوص حقوق جزایی مندرج در ماده ۶۱ ق. ث. ا. ع. ط. (۱۳۸۶) ثبت علامت تجاری است.^۲

سوءنیت (علم و عمد) ناقص حقوق دارنده علامت تجاری نیز ضروری است.^۳

ب- راهکارهای مندرج در ق. م. ا. در بخش تعزیرات ق. م. ا. (۱۳۶۲)، در قالب مواد ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴، مجازات‌هایی برای متجاوزین به علائم تجاری در نظر گرفته شده بود.^۴ در سال ۱۳۷۵ با تصویب بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده به حمایت‌های پیشین پایان داده شد. لازم است که در شرایط کنونی در پی نصوصی دیگر برای حمایت کیفری از نقض علائم تجاری در این قانون بود.^۵

به‌طور کلی جرائمی که در این قانون، می‌توان در مورد علائم تجاری متصور گردید می‌توان بدین شرح برشمرد:

- جعل و استفاده از علامت تجاری مجعول،
- استعمال غیر مجاز علائم تجاری و نیز
- کلاهبرداری

که به ترتیب به شرح هرکدام از آنها می‌پردازیم:

الف) جعل علامت تجاری و استفاده از آن: در ماده ۵۲۵ ق.

م. ا. چنین می‌خوانیم: «هرکس یکی از اشیاء زیر را جعل کند یا با علم به جعل و تزویر مورد استعمال کند... علاوه بر

۱- «به لحاظ سابقه استعمال خواهان... حکم به ابطال علامت [موخر] صادر می‌شود» رأی شماره: ۴۸۰-۸۲/۲/۲۴ شعبه ۱۲ تجدید نظر تهران.

۲- در آمریکا، مالکیت علامت به طور معمول با استفاده از آن شروع می‌شود [۲۰].

۳- بنگرید به تحلیل عنصر روانی در نقض حقوق مخترع در همین مقاله.

۴- برای مثال در ماده ۱۲۲ از همان قانون چنین می‌خوانیم که «هرکس علامت تجاری ثبت شده در ایران را عالملاً جعل کند و با علم به مجعول بودن استفاده نماید به مجازات تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

۵- عده‌ای را عقیده بر آن است که در شرایط کنونی مواد ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ ق. م. ا. (۱۳۶۲) همچنان به قوت خود باقی و قابل استناد است [۱۰]. البته با توجه به ماده ۷۲۹ ق. م.

ا. و نیز سکوت مقنن در سال ۱۳۷۷ که دلالت بر عدول از جرم‌انگاری پیشین است؛ این استدلال قابل پذیرش نیست.

۶- «... شباهت میان دو علامت به حدی نیست تا مصداق جعل تلقی گردد...» رأی شماره ۱۰۶۳-۸۱/۹/۲۶ شعبه ۳ دادگاه حقوقی تهران.

۷- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری

۸- برای نمونه بنگرید به رأی شماره: ۲/۴۶۷-۱۳۷۱/۷/۱۵ شعبه دیوان عالی کشور

مورد کلاهبرداری و استفاده از علامت مجعول، از باب تعدد معنوی مجازات کلاهبرداری قابل اعمال است [۲۲].

۳. تحصیل غیر مجاز علامت تجاری و استفاده از آن در راستای کلاهبرداری: در این حالت نیز از بابت تعدد معنوی، مجازات کلاهبرداری اعمال می‌شود.^۵

اگر قبل از ثبت یک علامت تجاری، دیگری آن علامت تجاری را ثبت کند، چه حقی را می‌توان برای صاحب علامت تجاری قائل شد؛ به بیان دیگر آیا می‌توان سرقت علامت تجاری را متصور گردید؟

در این باره ق. ت. ا. ط. ع. (۱۳۸۶) متعرض امری نشده؛ لیکن به نظر می‌رسد که استفاده کننده مقدم، حق اعتراض را دارا بوده و با اثبات سبق استفاده، بر دادگاه لازم است که حکم به ابطال سند معترض عنه را صادر کند؛ زیرا ثبت علامت تجاری که قبلاً مورد استفاده بوده است از مصادیق رقابت مکارانه تجاری است. در نتیجه در صورت اعتراض استفاده‌کننده، دادگاه‌ها مکلفند که مطابق با اصول کلی حقوقی (منع رقابت مکارانه) و معاهدات بین‌المللی که ایران به آن پیوسته به اعتراض رسیدگی کرده و در صورت ثبوت ادعای حکم مقتضی صادر نمایند [۲۳].

ذکر این نکته ضروری است که حمایت از علائم تجاری تنها ناظر به تعرضاتی که در قالب علامت تجاری صورت می‌گیرد، نخواهد بود؛ زیرا بطور مثال ممکن است شخصی سابقاً مبادرت به ثبت یک علامت تجاری نموده باشد و بعد از سپری شدن مدتی، دیگری با رقابت مکارانه این بار مبادرت به ثبت آن علامت اما در قالب «نام تجاری» محصول خود نموده باشد.^۶

۷- اسرار تجاری^۷

دیگری از طریق امور غیر واقعی^۱ از عناصر مادی جرم کلاهبرداری دانسته شده است.

با تحقق هریک از جرائم مشمول «ق. م. ا.» و «ق. ت. م. م. ا. ک» به نوعی بزه موضوع ماده ۶۱ ق. ت. ا. ط. ع. نیز مصداق می‌یابد. به بیان دیگر فعلی واحد دو جرم را پدید آورده^۲، در این گونه موارد می‌بایست به حکم ماده ۴۷ ق. م. ا. مجازات جرم اشد اعمال شود. با توجه به پائین بودن مجازات مندرج در ماده ۶۱ نسبت به آن دو؛ می‌توان نتیجه گرفت که با وجود همراهی جرم نقض حق در ماده ۶۱ با جرائم مشمول «ق. م. ا.» و «ق. ت. م. م. ا. ک» مجازات این جرائم می‌بایست اعمال گردد. البته با منتفی شدن این جرائم جرم اخیر مصداق می‌یابد؛ برای مثال چنانچه شخصی صرفاً با ملهم شدن از یک علامت تجاری برای محصول خویش موجبات گمراهی مصرف‌کننده را فراهم آورد، هرچند نمی‌توان با استناد به جعل و کلاهبرداری وی را تحت تعقیب جزایی قرار داد، اما می‌توان بوسیله جرم مندرج در ماده ۶۱ ق. ت. ا. ط. ع. وی را متخلف محسوب نمود.

چنانچه فعل متخلف، آمیزه‌ای از جرائم مشمول «ق. م. ا.» و «ق. ت. م. م. ا. ک.» باشد، کدام جرم را باید مرجح دانست؟ برای پاسخ به این سوال، حالات زیر را باید در نظر گرفت:

۱. جعل علامت تجاری و استفاده از آن: در این مورد لازم است، ضمن حمل بر تعدد مادی، با استناد به قاعده عدم تداخل مجازات‌ها^۳، به حکم ماده ۴۷ ق. م. ا. در مورد جعل مجازات ماده ۵۲۵ ق. م. ا. و در مورد استفاده، مجازات مندرج در ماده ۵۲۹ ق. م. ا. به نحو مجزا اعمال گردد.^۴

۲. جعل علامت تجاری و استفاده از آن در راستای کلاهبرداری: در این حالت جرم جعل مصداق می‌یابد؛ در

۱- برای نمونه بنگرید به رأی شماره: ۲/۷۱۱-۱۳۷۱/۱۱/۱۴ شعبه ۲ دیوان عالی کشور

۲- برای مثال:

• جعل علامت تجاری و نقض حق ماده ۶۱، و یا

• تحصیل و استعمال غیر مجاز علامت تجاری و نقض حق ماده ۶۱، یا

• کلاهبرداری و نقض حق ماده ۶۱

۳- تداخل و جمع مجازات‌ها، قاعده ای پذیرفته شده در فقه امامیه است و در موادی از جمله ۸۹ ق. م. ا. و نیز تبصره ۲ ماده ۶۱۵ ق. م. ا. تجلی نموده.

۴- مطابق رأی وحدت رویه شماره ۱۱۸۹-۱۳۳۶/۳/۳۰؛ استفاده از سند مجعول نسبت به جاعل جرم جداگانه محسوب می‌شود.

۵- شایان ذکر است که تفسیر گفته شده در بندهای ۲ و ۳، زمانی مصداق می‌یابد که عناصر کلاهبرداری به‌عنوان جرمی مقید محقق شود. پس چنانچه ارائه علامت تجاری مجعول منجر به فریب نشود، صرفاً می‌توان متخلف را تحت عنوان جعل و استفاده از سند مجعول تحت پیگرد قرار داد. چه آنکه در استفاده از سند مجعول، صرف ارائه کفایت می‌کند و نیازی به استفاده از این ارائه نیست [۲۱].

۶- در رأی شماره ۴۵۶-۸۹/۴/۲۲ شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر چنین استدلال نموده که استفاده از یک نام تجاری که عرفاً منجر به گمراهی مردم شود ممنوع و غیر قانونی است.

عرصه مجعول بوده باشد، بازهم می‌توان شرط ناشناخته بودن را مجری دانست [۲۸].

۴. **تلاش متعارف جهت حفظ محرمانگی:** اطلاعات می‌بایست به نحوی که عرفاً شایسته آنهاست حفاظت شده باشد. پس اگر مالک اسرار در حفاظت از اسرار تجاری خویش قصور و کوتاهی کند حمایت از آن از میان می‌رود. در یک مورد، دادگاه وصف راز بودن اسرار تجاری را به جهت عدم تلاش برای حفظ محرمانگی اسرار، را احراز ننمود.^۴ برای حمایت از اسرار تجاری با اوصاف گفته شده؛ در راهکار مدنی با تکیه بر رابطه امانی میان مالک و مطلع از اسرار، در صورت کاهلی و یا سوء نیت مطلع در افشاء اطلاعات و اسرار تجاری، وی را ملزم به پرداخت خسارت می‌کند. اصولاً ضمانت اجراهای مدنی برای مقابله با اعمال تجاوز کارانه‌ای که حقوق اسرار تجاری را تضعیف می‌کنند ابزار کارآمدی نیستند^۵ [۲۶].

در حقوق ایران قوانین متعددی را در رابطه با نقض و افشای اسرار می‌توان یافت، اما از آنجا که این اسرار بیشتر ناظر بر اسرار خانوادگی، دولتی، شغلی و... است، نمی‌توان از مفاد آنها، جهت حمایت کیفری از اسرار تجاری بهره گرفت.^۶ از این رو حقوق ایران در زمینه حمایت کیفری از اسرار تجاری با ضعف محسوسی مواجه است.

در برخی کشورها نظیر آمریکا مقررات مفصلی در این زمینه پیش‌بینی شده است. به‌نحوی که در قانون جاسوسی اقتصادی برای افشاءکنندگان اسرار تجاری مجازات ده ساله زندان و یا ۵ میلیون دلاری جریمه نقدی پیش‌بینی شده است [۱۹]. به‌طورکلی می‌توان اسرار تجاری را به دو دسته تقسیم نمود:

- اسرار تجاری در فضای واقعی
- اسرار تجاری در فضای مجازی

در تعریف آن گفته شده است که: «اطلاعات محرمانه‌ای است که موجب امتیاز بالقوه و یا بالفعل برای دارنده آن در امر تجارت است و تلاش های متعارف و معقولی برای پنهان ماندن و عدم دسترسی دیگران به آن صورت می‌گیرد [۲۴].»

برای اینکه اطلاعاتی به‌عنوان اسرار تجاری، محسوب شود لازم است واجد خصوصیات ذیل باشد:

۱. **اطلاعات بودن:** ایده افشاء نشده می‌بایست به‌صورت اطلاعات باشد و منظور از اطلاعات؛ معلوماتی روشن و بدون پیرایه است که حاوی امتیاز رقابت‌زایی برای دارنده آن است، از این رو، اطلاعات کلی و ایده‌های مبهم جزء اسرار تجاری به شمار نمی‌آیند [۱۶].

۲. **ارزشمند بودن:** کتمان اسرار تجاری برای دارنده آن دارای ارزش اقتصادی مستقلی است.^۱ به‌علاوه این ارزش جزئی نبوده و نسبت به موضوع پنهان شده دارای سود قابل توجهی است [۲۵].

اسرار تجاری ممکن است علاوه بر ارزش مستقل، مزایای رقابتی برای دارنده ایجاد کنند بدین صورت که باعث برتری موضع دارنده نسبت رقبای وی در بازار می‌شود [۲۶].

۳. **لزوم ناشناخته بودن:**^۲ شرط مهم دیگری است که برای حمایت از اسرار تجاری لازم دانسته شده است به این معنا که این اطلاعات لازم است در دسترس عموم و نیز تجار دیگر قرار نگرفته باشد. ممکن است که اطلاعات در داخل یک شرکت در دسترس مستخدمان زیادی قرار گرفته شده باشد، حال آنکه در خارج از شرکت این اطلاعات مجهول مانده باشد. در این حالت وصف محرمانه بودن اطلاعات همچنان وجود خواهد داشت [۲۷]. همچنین ممکن است که اطلاعاتی که در یک عرصه برای عموم معلوم است در عرصه دیگر به‌عنوان راز تجاری قلمداد شود برای مثال اگر کاربرد ابزاری در یک عرصه واضح و معلوم بوده باشد، حال آنکه تاجری دریافته است که این ابزار در محصول دیگر نیز مفید فایده واقع شود به‌گونه‌ای که این کاربرد برای عموم و فعالین در آن

4- Electro- Craft Corp. v. Controlled Motion, Inc, 332 N.W.2d 890, 897

۵- شایان ذکر است که حمایت کیفری از اسرار تجاری سابقه طولانی تری نسبت به حمایت حقوقی (قراردادی) از این اسرار دارد [۲۹].

۶- از آن جمله می‌توان به قوانین زیر اشاره کرد: الف) ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار؛ ب) ماده ۷۷ قانون استخدامی وزارت اطلاعات؛ ج) بند ۱۱ ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری؛ د) قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری؛ ه) ماده ۲۳۲ قانون مالیات های مستقیم؛ و) ماده ۳۰ قانون وکالت؛ ز) ماده ۱۰۲ قانون کار

1- Be valuable
2- Independent Economic Value
3- Not being Known

همچنین چنانچه دریافت‌کننده اسرار، از افشای غیرقانونی اسرار مطلع باشد نمی‌توان او را تحت تعقیب قرار داد. ممکن است سوال شود که آیا نمی‌توان از راهکارهای سرقت^۱ و یا خیانت در امانت^۲ برای حمایت کیفری از افشاء اسرار تجاری در فضای واقعی بهره برد؟ در این دو جرم، می‌بایست مال موضوع جرم عینیت داشته و به اصطلاح ملموس باشد و در غیر اینصورت تحقق این عناوین مجرمانه در حقوق ایران بعید خواهد بود [۱۸].

می‌توان دریافت که ماده ۶۴۸ ق. م. ا. در شرایط کنونی نمی‌تواند پاسخ‌گوی زیان‌دیدگانی باشد؛ که به یغما رفتن اسرار تجاری آنان مساوی با زیان هنگفت آنهاست، لذا اقدام سریع قانون‌گذار برای رفع این خلأ قانونی ضروری است: چه بسا اقدام با تأخیر قانون‌گذار ضربه‌ای جبران‌ناپذیر را بر اقتصاد تحمیل خواهد نمود.

در این مقررات شایسته است موضوعات کلیدی زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱. ضمن ارائه یک تعریف دقیق و ضابطه‌مند از اسرار تجاری، معیارهای حمایت از این اسرار نیز برشمرده شود.
۲. نفس دستیابی به اسرار تجاری دیگری از راه نامشروع مورد جرم‌انگاری قرار گیرد^۳ (به بیان دیگر با عدول از قواعد دست و پا گیر سنتی، سرقت اسرار تجاری را به رسیمت بشناسد).
۳. نفس افشاء اسرار تجاری؛ خواه تحصیل آنها به مناسبت حرفه و شغل باشد و یا نباشد مورد جرم‌انگاری قرار گیرد.
۴. دریافت اسرار تجاری با علم به مسروقه بودن آن راز تجاری ممنوع اعلام شود.
۵. به‌عنوان یکی از ضابطه‌های احتساب خسارت افشاء راز تجاری، عواید عدم افشاء راز تجاری در نظر گرفته شود.^۱

مناسب است که حمایت کیفری از هر کدام از این دو راهکار به نحو مجزا بررسی شود:

۷-۱ اسرار تجاری در فضای واقعی

متأسفانه در حقوق ایران و در شرایط کنونی نمی‌توان مقرر قانونی قابل اتکائی یافت که به نحو قاعده‌مند، به مقابله با جرائم علیه اسرار تجاری در فضای واقعی بپردازد.

تا زمان رفع این خلأ، ولو به نحو ناقص از مفاد مواد زیر برای حمایت از اسرار تجاری می‌توان بهره گرفت:

• ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی: در بند «ح» این ماده، قانون‌گذار «مداخله در امور داخلی و یا معاملات بنگاه یا شرکت رقیب» را بوسیله «ترغیب، تحریک و یا وادار ساختن یک یا چند سهامدار، صاحب سرمایه، مدیر یا کارکنان یک بنگاه و یا شرکت رقیب از طریق ... افشاء اسرار ...» ممنوع اعلام نموده است.

از سوی دیگر در بند «ک» همین ماده «کسب و بهره‌برداری غیرمجاز از هرگونه اطلاعات داخلی رقبا در زمینه تجاری، مالی، فنی و نظایر آن به نفع خود یا اشخاص ثالث» نیز ممنوع اعلام شده است.

از مفاد این مواد فقط در مورد اسرار تجاری متعلق به شرکت‌ها و بنگاه‌ها بهره گرفت؛ اما از آنجا که هر تاجر حقیقی نیز دست کم با دایر کردن یک بنگاه به فعالیت می‌پردازد، می‌توان او را مشمول این مواد دانست. البته اینکه قانون‌گذار در این مواد از مجازات فاش‌کننده مغفول مانده امری است عجیب.

• ماده ۶۴۸ ق. م. ا. «... کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشاء نمایند به ۳ ماه و یک روز تا یک سال حبس و یک میلیون پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند».

عمده ایراد مقرر فوق آن است که چنانچه شخصی بدون مناسبت حرفه و یا شغل، بر اسرار تجاری دیگری آگاهی یابد و سپس مبادرت به افشای آنها نماید چه مجازاتی برای وی قابل تصور است؟

عدم تناسب میان ارزش اقتصادی راز تجاری افشا شده و مجازات فوق نیز به وضوح قابل رویت است.

۱- در حقوق انگلیس آرای متفاوتی صادر شده که در آنها نتیجتاً ارزش اقتصادی اسرار تجاری مورد شناسایی قرار گرفته است [۳۵]. همچنین ماده ۱۸۳۴ قانون جاسوسی اقتصادی آمریکا سرقت اسرار تجاری را مورد جرم‌انگاری قرار داده است.

۲- در رأی شماره ۱۲۶۹- ۱۳۷۸/۱۲/۱۱ شعبه ۳۱ دادگاه تجدید نظر، فاش‌کننده اسرار تجاری تحت بزه خیانت در امانت محکوم گردیده است؛ حتی اگر از شرط ملموس بودن مال موضوع بزه نیز صرف‌نظر کنیم، در جرم خیانت در امانت می‌بایست مال به وجه امانت سپرده شده باشد و در غیر اینصورت، بزه مزبور نمی‌توان محقق شود (رأی شماره ۱۴۵۱- ۱۳۱۷/۶/۳۰ شعبه ۵ دیوان عالی کشور).

۳- مانند بند «ک» ماده ۴۵ قانون سیاست‌های اصل ۴۴

و یا برای اشخاص ثالث افشاء نمایند به حبس از شش ماه تا دو سال و نیم و جزای نقدی معادل پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد».

۱. عده‌ای معتقدند که این قانون برای هر نوع استفاده از فناوری‌های الکترونیکی در تبادل اطلاعات است که یکی از مصادیق آن استفاده در حوزه تجارت الکترونیکی است [۳۱].

با وجود این عده ای تحقق جرائم مندرج در این قانون را منحصرأ در بستر مبادلات مالی رایانه ای می دانند [۳۲]، نهایتاً می بایست با عنایت به تصریح مقنن، همین نظر را تأیید کرد.

۲. ملاک عدم دسترسی عموم به آن اسرار، ملاک نوعی است.

۳. آنچه در این ماده مورد حمایت قرار داده شده است اسرار تجاری متعلق به بنگاه‌ها و موسسات است، پس هیچ شخصی (اعم از تاجر و غیر تاجر) بدون اینکه بنگاه و موسسه‌ای را برای فعالیت خویش اختصاص داده باشد؛ نمی‌تواند از اسرار خویش در قالب این دو ماده حمایت نماید.

۴. اسرار می‌بایست تجاری و اقتصادی باشند و اسرار دیگر نمی‌توان مورد حمایت این مقررات باشد.

۵. بهتر بود که مقنن، دیگر رفتارهای منتهی به نقض اسرار تجاری را نیز مورد پیش‌بینی قرار می‌داد.

۸- نشانه‌های جغرافیایی^۵

در ماده ۱ ق. ج. ا. ن. ج. (۱۳۸۳)^۶ قانون‌گذار نشانه‌های جغرافیایی را این چنین تعریف می‌کند:

«نشانه‌ای است که مبدأ کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه‌ای از کشور منتسب می‌سازد، مشروط بر اینکه کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدأ جغرافیایی آن باشد». عناصر اساسی زیر را می‌توان از تعریف نشانه‌های جغرافیایی استنباط نمود:

۳- بستر مبادلات الکترونیکی بستری است که در آن هرگونه روابط مالی الکترونیکی صورت می‌پذیرد که اعم است از هرگونه ابزار انتقال اطلاعات و ارتباطات همچون اینترنت، مخابرات، ماهواره و به‌طورکلی فضای سایبر [۳۲].

۴- برای مثال تغییر، تحریف، غیر قابل پردازش کردن

5- Geographical Indications

۶- قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی

۶. نقض حقوق اسرار تجاری بصورت سازمان‌یافته و یا افشاء این اسرار در حد وسیع و یا وابستگی اسرار تجاری به نفع عمومی و یا اقتصاد جامعه از کیفیات مشدده این بزه در نظر گرفته شود.

۷. می‌بایست اموال تحصیل شده از این جرم غیر منصفانه نیز ضبط و مصادره شود.

۸. حمایت از اسرار تجاری، منوط به تعلق آن به تاجر یا غیر تاجر نباشد.

۷-۲ اسرار تجاری در فضای مجازی

در اقدامی مثبت و قابل تأیید با تصویب قانون تجارت الکترونیک در سال ۱۳۸۲، حقوق اسرار تجاری در فضای مجازی از وضعیت مناسب‌تری نسبت به فضای واقعی بهره‌مند گردید^۷: چه آنکه نقض محرمانگی اسرار تجاری در بستر مبادلات الکترونیکی، در این قانون جرم انگاری گردید. مطابق ماده ۶۴ این قانون:

«به منظور حمایت از رقابت‌های مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی تحصیل غیر قانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاه‌ها و موسسات برای خود و افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب ...».

و در ماده ۷۵:

«متخلفین از ماده ۶۴ این قانون و هرکس در بستر مبادلات الکترونیکی به منظور رقابت، منفعت و یا ورود خسارت به بنگاه‌های تجاری، صنعتی، اقتصادی و خدماتی، با نقض حقوق قراردادهای استخدام مبنی بر عدم افشاء اسرار شغلی و یا دستیابی غیر مجاز اسرار تجاری آنها را برای خود تحصیل

۱- دکترین خارجی همواره در باب احتساب میزان خسارت ناشی از افشای راز تجاری، این امر را مورد توجه قرار می‌دهند [۳۰].

۲- می‌بایست وضع قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ را نقطه قوتی دیگر در این امر دانست، با وجود این، اکثر مواد این قانون که در مقوله اسرار تجاری می‌توان از آن مدد گرفت، به داده‌های متعلق به دولت (مواد ۳ و ۴ و ۵) مربوط است؛ و نهایتاً در مقوله اسرار تجاری عادی بتوان از مفاد ماده ۱ این قانون بهره گرفت، مطابق با این ماده: «هرکس به‌طور غیرمجاز به داده‌ها ... که به وسیله تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد ...».

از قید تدابیر امنیتی در این ماده اقداماتی افزون‌تر از «تلاش متعارف جهت حفظ محرمانگی»، مستفاد می‌شود؛ به بیان دیگر با همین قید آن دسته از اسرار تجاری که با تدابیر امنیتی محافظت نمی‌شود از موضوع ماده خارج می‌شود.

- معرفی و انتساب غیر واقعی و گمراه‌کننده مبدأ جغرافیایی کالا.

- هرگونه استفاده از نشانه‌های جغرافیایی که مطابق ماده ۱۰

مکرر کنوانسیون پاریس مصداق رقابت نامشروع باشد»^۳.

و در ماده ۶ همان قانون چنین آمده که:

« هر شخصی که مرتکب اعمال مندرج در ماده ۲ شود علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

مطابق با بند اول از ماده فوق، معرفی و انتساب مبدأ جغرافیایی در صورتی ممنوع است که واجد دو ویژگی غیر واقعی بودن و گمراه‌کننده بودن باشد. در این دو حالت که کالا در مکانی دیگر تولید شده است و نامود می‌شود که در مکانی خاص تولید شده است. ضمناً به نظر می‌رسد که اعمال این مجازات فقط تولید کننده متقلب را شامل می‌شود و حتی در صورت آگاهی فروشنده واسطه، از متقلبان بودن ادعای تولیدکننده نمی‌توان تحت شمول ماده مزبور، مسئولیتی را متوجه او ساخت.

در خصوص بند دوم، از باب مقدمه خاطر نشان می‌گردد که رقابت غیر منصفانه، یکی از شاخه‌های حقوق رقابت است که به هدف جریان صحیح و عادلانه رقابت شکل گرفته و به بیان دیگر رقابت مغایر با اخلاق تجاری منع شده است [۳۵].

در رقابت غیر منصفانه ناشی از سوء استفاده از نشانه‌های جغرافیایی، از شهرت نشانه‌های جغرافیایی دیگری بدون جهت استفاده می‌شود در حالیکه ممکن است به خلاف بند اول این استفاده، گمراه‌کننده نباشد. برای مثال اگر تولیدکننده‌ای به همراه کالای خود عباراتی نظیر « به سبک ...

• **نشانه بودن:** نشانه جغرافیایی ممکن است یک واژه (مانند فرش کاشان)، و یا یک علامت (مانند پرچم ایران) و یا یک سمبل (مانند تخت جمشید) باشد.^۱

پس برای مثال درج نام زعفران قائنات یا فرش کاشان بر روی کالا، به لحاظ ایجاد رغبت در مشتری همان تأثیری را خواهد داشت که نام سونی در محصولات الکترونیکی و یا بنز در اتومبیل.

• **تعیین مبدأ جغرافیایی کالا:** طرح استفاده شده در نشانه جغرافیایی می‌بایست گواه انتساب آن کالا به ناحیه‌ای جغرافیایی خاص باشد.^۲ شایان ذکر است طبق قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی و نیز موافقت‌نامه تریپس نمی‌توان خدمات را در قالب نشانه‌های جغرافیایی مورد حمایت قرار داد [۳۳].

• **ارتباط کالا و مبدأ جغرافیایی:** بر اساس این شرط لازم است میان کالا و مبدأ جغرافیایی آن به لحاظ کیفیت یا مرغوبیت و یا شهرت ارتباط اساسی وجود داشته باشد. جهت شمول نشانه‌ای جغرافیایی لازم است که دست کم یک مرحله از مراحل مختلف تولید در مبدأ جغرافیایی انجام شده باشد [۳۴].

پس از ذکر این مقدمه، اینک می‌بایست به فراخور تحقیق پیش رو به تدقیق در باب رهیافتی کیفی جهت حمایت از نشانه‌ای جغرافیایی بپردازیم. مناسب دیده شد که حمایت کیفی از نشانه‌های جغرافیایی را از دو منظر مورد بررسی قرار دهیم: یکی از منظر خود ق. ح. ا. ن. ج و دیگری از منظر قوانین جزائی دیگر:

الف) حمایت از نشانه‌های جغرافیایی از منظر ق. ح. ا. ن. ج که در ماده ۲ این قانون چنین می‌خوانیم:

«هر شخص یا هرگروه ذی‌نفع می‌تواند در خصوص نشانه‌های جغرافیایی به منظور جلوگیری از اعمال زیر یا مطالبه ضرر و زیان ناشی از آنها در دادگاه اقامه دعوی نماید:

۳- در ماده ۱۰ مکرر کنوانسیون پاریس که رقابت غیر منصفانه نام گرفته چنین آمده است:
۱- کشورهای (عضو) اتحادیه ملزم اند حمایت موثر از اتباع چنین کشورهایی را در مقابل رقابت غیر منصفانه تضمین کنند. ۲- هر عمل رقابتی مغایر با رویه‌های صادقانه در موضوعات صنعتی یا تجاری یک عمل رقابت غیر منصفانه را تشکیل می‌دهد. ۳- اعمال زیر می‌بایست ممنوع شوند: الف) تمام اعمال واجد چنان ماهیتی که به هر وسیله ایجاد اشتباه یا موسسه کالاها یا فعالیت‌های صنعتی یا تجاری رقیب نماید. ب) اظهارات غیر واقعی در جریان تجارت که واجد چنان ماهیتی است که موسسه کالاها یا فعالیت‌های صنعتی یا تجاری رقیب را بی‌اعتبار می‌کند. ج) نشانه یا اظهاراتی که استفاده از آنها در جریان تجارت می‌تواند عموم را راجع به ماهیت، فرآیند ساخت، ویژگی‌ها، قابلیت استعمال یا کیفیت کالاها گمراه نماید.

۱- مطابق تعریف WIPO؛ به نشانه‌های جغرافیایی مرکب از نام‌ها، نشانه‌های جغرافیایی مستقیم (Direct Geographical Indications) و به نشانه‌های مرکب از علائم یا سمبل‌ها، نشانه‌های جغرافیایی غیر مستقیم (Indirect Geographical Indications) گفته می‌شود.

۲- طرح استفاده شده در علائم تجاری، گواه انتساب کالا به تولید کننده خاص بود.

و یا با کیفیت و یا از نوع» را به کار ببرد هرچند که نمی توان جملات را غیر واقعی و گمراه کننده قلمداد نمود، اما از آنجا که از شهرت نشانه جغرافیایی محصول دیگر بدون مبنا بهره برده است، می توان با استناد به بند ب از ماده ۲ وی را مسئول بدانیم.^۱

ب) حمایت کیفری از نشانه های جغرافیایی از منظر قوانین دیگر:

چنانچه شخصی با توسل به وسایل متقلبانه، کالایی را برخوردار از کیفیت بهتر قلمداد کند و به تبع آن مبادرت به «گرانفروشی» آن کالا نموده باشد در اطلاق عنوان کلاهبرداری بر عمل وی مشکلی وجود نخواهد داشت [۱۸]،^۲ پر واضح است که از مصادیق بارز این مورد، زمانی است که تولیدکننده ای کالای خود را منتسب به جایی می داند که در آن مبدأ کالاهای از همان دست با کیفیت و مرغوبیت خاصی که در قالب نشانه جغرافیایی مورد حمایت است، تولید می شوند.^۳

هرچند به لحاظ تئوری، حمایت کیفری از نشانه های جغرافیایی در این مورد با مشکلی مواجه نخواهد بود. اما هنوز رویه منسجمی برای بهره گیری از این شیوه جهت حمایت از نشانه های جغرافیایی شکل نگرفته. کوتاه کلام آنکه برای اعمال این طریق احراز شروط ذیل لازم است:

- تولید یک نوع کالای باکیفیت و مرغوب در یک مبدأ جغرافیایی که در آن مبدأ، نشانه جغرافیایی به ثبت رسیده است. ب) تولید همان نوع کالا با کیفیت پائین در مکانی غیر از آن مبدأ جغرافیایی و ادعای تولید کننده در این مورد که کالای مذکور در بند قبل را در آن مبدأ جغرافیایی شناخته شده به تولید کالای مرغوب تولید کرده اند،^۴

د) از این رو مبادرت به گرانفروشی کالا نماید.^۵

چنانچه در ماده ۵۲۹ ق. م. ا. نشانه را نیز یکی از اقسام علامت بدانیم می توان از راهکار «جعل» نیز برای حمایت از نشانه های جغرافیایی بهره برد؛ بدین توضیح که اگر شخصی به نحو مزورانه ای یک نشانه جغرافیایی را جعل کند و در محصولات و کالاهای خویش از آن استفاده کند از بابت جعل و استفاده از این عنوان جزایی قابل تعقیب خواهد بود.

ممکن است سوال شود که با وجود بند «الف» ماده ۲ ق. ح. ن. ج. چرا می بایست تعرض به حقوق ناشی از نشانه های جغرافیایی را بر اساس جعل و استفاده از نشانه مجعول مورد بررسی قرار داد؟^۶

در غالب مثال های زیر بهتر می توان به این سوال پاسخ داد:

مثال ۱: ممکن است فروشنده ای با علم به متقلبانه بودن نشانه جغرافیایی مندرج در کالا مبادرت به فروش آن نماید؛ بدیهی است از آنجا که اعمال مجازات های مندرج در بند الف ماده ۲ در مورد چنین شخصی منتفی است؛ می توان با حصول شرایط چنین شخصی را از بابت «استفاده از نشانه (علامت) مجعول» مورد تعقیب قرار داد.

مثال ۲: ممکن است شخصی بدون اینکه در فرآیند انتساب و معرفی کالا به نشانه جغرافیایی مجعول دخالت داشته باشد، صرفاً نشانه جغرافیایی را جعل و در اختیار معرفی کننده کالا قرار داده باشد.

به بیان دیگر می بایست از طریق عناوین عام مندرج در ق. م. ا. نقص و خلأ قانون را برطرف نموده و به مقابله با نقض حقوق مالکیت صنعتی پرداخت.

در پاسخ به این سوال که با جمع این جرائم، می بایست کدامین مجازات اعمال شود؟ جهت پرهیز از اطاله بی مورد کلام، خواننده ارجمند را به رهیافت های گفته شده در بخش جعل علامت تجاری دلالت خواهیم نمود.

۱- پس اگر صرفاً ادعای تولید کالا در آن مبدأ جغرافیایی را داشته باشد ولی قیمت کالا متناسب با کیفیت کالا باشد نمی توان- مسئولیتی را متوجه او ساخت. مضافاً به اینکه اگر کالای تولید شده در محل دیگر به لحاظ کیفیت با کالای تولید شده در آن مبدأ جغرافیایی برابری نماید باز هم نمی توان مسئولیتی را متوجه تولید کننده کننده دانست.

۲- رأی شماره ۲۹۷-۱۳۳۰/۲/۳ شعبه ۸ دیوان عالی کشور

۳- این تفسیر با قید «... وسایل نقلی دیگر ...» مندرج در ماده ۱ «ق. ت. م. ا. ک.»، همسو است: زیرا برشمردن برخی از وسایل متقلبانه در ماده ۱ این قانون، تمثیلی بوده نه حصری.

۴- پس اگر صرفاً تولید کالا ادعای تولید کالا در آن مبدأ جغرافیایی را داشته باشد ولی قیمت کالا متناسب با کیفیت کالا باشد، نمی توان مسئولیتی را متوجه تولید کننده متخلف دانست.

۵- لازم است که میزان گرانفروشی، درخور و قابل توجه بوده باشد. پس به صرف یک رقم بالاتر قابل اغماض، نمی توان مسئولیتی را متوجه وی ساخت. به بیان دیگر معیار گرانفروشی می بایست عرفی بوده باشد

۶- شایان ذکر است که صاحب نظران در تألیفات خویش یکی از مولفه های جزایی قابل اعمال در راستای حمایت از نشانه های جغرافیایی را جعل و استفاده از نشانه مجعول می دانند [۳۶].

۹- نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی حمایت‌های حقوق کیفری از حقوق مالکیت صنعتی پرداختیم و مشخص شد که حمایت کیفری از حقوق مالکیت صنعتی در شرایط کنونی با چالش روبروست، که اهتمام جهت رفع آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا تا زمانی که سیاست و رویکردی مشخص جهت حمایت از این حقوق اتخاذ نشود، تحقق توسعه به‌عنوان آرمانی در سند چشم‌انداز، مشکل خواهد بود. وجود مقرراتی پراکنده و غیرهمسو نخواهد توانست پاسخ‌گوی نیاز مالکان حقوق صنعتی باشد و از حقوق آنها در مقابل دست‌اندازی‌های ناروا حمایت درخور نماید. از این‌رو سامان بخشیدن به این وضعیت نامطلوب خود گامی است مطلوب در راستای تسریع در روند توسعه و تأمین منافع جامعه. در این مقاله تلاش شد:

۱. از یک سو ظرفیت‌های حقوق داخلی را از بعد حمایت حقوق کیفری از حقوق مالکیت صنعتی مورد مذاقه قرار دهیم؛ که النهایه ضمن التفات به اصول بنیادین حقوق جزا (از جمله تفسیر مضیق نصوص جزایی) و نیز «اصل برائت» به نتایج ارائه شده در جدول زیر دست یافتیم:

نوع حق	عنوان کیفری
اختراع	ماده ۶۱ ق.ث.ا.ط.ع.
علامت تجاری	• ماده ۶۱ ق.ث.ا.ط.ع. • جعل و استفاده از علامت تجاری مجعول • کلاهبرداری از علامت تجاری مجعول
اسرار تجاری	- در فضای واقعی: • ماده مواد ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی • ماده ۶۴۸ ق.م. - در فضای مجازی: • مواد ۶۴ و ۷۵ قانون تجارت الکترونیک
نشانه‌های جغرافیایی	• مواد ۲ و ۶ ق.ح.ن.ج. • کلاهبرداری از طریق نشانه جغرافیایی مجعول • جعل و استفاده از نشانه جغرافیایی مجعول

همچنین گفته شد که در صورت وجود شرایط لازم، شاکی می‌تواند به موازات شکایت کیفری خویش از متخلف «از راهکارهای عمومی حمایت کیفری» بهره‌گیرد که البته نقش بسیار چشم‌گیری در حفظ حقوق او در پی خواهد داشت.

۲. از سوی دیگر با شناسایی چالش‌های اساسی حمایت کیفری از حقوق مالکیت صنعتی؛ برحسب آنها راهکارهایی برای نیل به این مهم ارائه شود:

چالش‌ها:

- صریح نبودن متن قانون در اعلام ممنوعیت بسیاری از اقداماتی که منجر به نقض حقوق مالکیت صنعتی می‌شود.
- عدم تکافوی مجازات پیش‌بینی شده در قانون.
- خلأ قانونی در زمینه مقابله با نقض اسرار تجاری در فضای واقعی.
- واضح نبودن موضع مقنن در زمینه مطالبه خسارات ناشی از ارتکاب جرم.
- مشخص نبودن قابل گذشت و یا غیر قابل گذشت بودن جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی.
- عدم پیش‌بینی مقرراتی در زمینه اعمال مجازات‌های تکمیلی در مورد متجاوزین به حقوق مالکیت صنعتی.

راهکارها:

- اعمال تجاوزکارانه‌ای که منتهی به نقض حقوق مالکیت صنعتی می‌شود لیکن در وضعیت کنونی ممنوع نگردیده‌اند مورد جرم‌انگاری قرار گیرند: از قبیل اشاعه و ترویج اعمال خرابکارانه‌ای که منجر به نقض این حقوق می‌شود.
- می‌بایست مجازات‌هایی که در ازای تجاوز به حقوق مالکیت صنعتی در نظر گرفته می‌شود در عین دارا بودن وصف بازدارندگی؛ متناسب با حقوقی نقض شده باشند.
- در زمینه خسارات ناشی از ارتکاب جرم نیز باید موضع صریح مقنن در استحقاق زیان‌دیده جهت مطالبه عدم‌النفع شفاف شود؛ تا بلکه مغایرت و یا عدم مغایرت با حکم مندرج در ماده ۵۲۹ قانون آئین دادرسی مدنی معلوم شود.
- حمایت از حقوق اسرار تجاری در فضای مجازی در شرایط کنونی با خلأئی محسوس مواجه است و اقدام مقنن را می‌طلبد.
- با مدنظر قرار دادن میزان تضرر جامعه، وضعیت قابل گذشت بودن و یا نبودن این جرائم نیز مشخص گردد.

[۸] میرحسینی، سیدحسن، ۱۳۸۶، *مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی*، نشر میزان.

[۹] خالقی، علی، ۱۳۹۰، *آئین دادرسی کیفری*، انتشارات شهردانش.

[۱۰] میرحسینی، سید حسن، ۱۳۸۷، *حقوق اختراعات*، نشر میزان.

[۱۱] اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۶، "درآمدی بر حمایت از حق اختراع در حقوق ایران و چالشهای حقوقی الحاق به موافقتنامه تریپس"، *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۴(۱۳)، صص. ۷۲-۴۳.

[۱۲] زراعت، عباس، ۱۳۸۵، "گذشت در جرائم قابل گذشت"، *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۵۵، صص. ۳۸-۹.

[۱۳] دلیر، حمید، ۱۳۸۹، "اموال مرتبط با جرم در نظام حقوقی ملی و بین‌المللی"، *نشریه مأوی مورخ*، ۶/۲۹/۱۳۸۹.

[۱۴] اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، *حقوق مالکیت صنعتی در فضای سایبر*، نشر میزان.

[15] Edris, K., 2003, *Intellectual Property a Power Tools for Economic Growth*, WIPO Publication.

[16] Bently, L. and Sherman, B., 2001, *Intellectual Property law*, Oxford University Press.

[17] Colston, C., 1990, *Principles of Intellectual Property Law*, Cavendish publishing, London.

[۱۸] میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۸۷، *جرائم علیه اموال و مالکیت*، نشر میزان.

[۱۹] هداوند، مهدی، ۱۳۸۴، "حقوق مالکیت صنعتی و قراردادهای بین‌المللی لیسانس"، *ماهنامه تدبیر*، ۱۵۸، صص. ۴۱-۳۶.

[۲۰] رضا وصالی، محمود، ۱۳۸۴، "مطالعه تطبیقی حقوق ناشی از ثبت علامت تجاری"، *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۵۱-۵۰، صص. ۱۱۳-۱۱۳.

[۲۱] میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۸۹، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، نشر میزان.

[۲۲] پیمانی، ضیاء‌الدین، ۱۳۷۴، *بررسی تاریخی و تطبیقی تعدد جرم*، مجتمع آموزشی عالی قم.

[۲۳] اسلامی، شیرزاد، ۱۳۸۸، "افشا و سرقت علامت تجاری: آثار حقوقی استفاده از یک علامت، قبل از ثبت آن"، *فصلنامه قضاوت*، ۵۷، صص. ۵۴-۵۶.

[24] Gesmer, L.T., 2009, "Protection of Trade Secrets in the Computer Industry", p. 2, available from: <http://www.gesmer.com/maintenance/preview.php?what=news&id=784>.

[25] Albert, G.P., Laff, W. and Laff, S., 1999, *Intellectual Property Law in Cyberspace*, BNA Books.

[۲۶] رهبری، ابراهیم، ۱۳۸۸، *حقوق اسرار تجاری*، انتشارات سمت، تهران.

[27] Bolter, D.J., 2001, *Controlling Voices: Intellectual Property, Humanistic Studies, and the Internet*, Southern Illinois University Press.

[28] Sitm, R. and Fishman, S., 2001, *Nondisclosure Agreement Protect Your Trade Secrets and More*, NOLO Publisher.

• در جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی به مجازات‌های تکمیلی^۱ توجه ویژه‌ای شود و اختیار اعمال آنها در اصلاحات احتمالی از سوی مقنن مورد تصریح قرار گیرد؛ نظیر محرومیت از اشتغال به حرفه معین.

• نهادهای مترقی نظیر «حق دسترسی به اطلاعات» که باعث تسریع روند مقابله با نقض حقوق مالکیت صنعتی می‌شود مورد قانون‌گذاری قرار بگیرد.

• در زمینه اموال مرتبط با جرم می‌بایست به ماده ۱۰ ق. م. ا. اکتفا نشود؛ و در قانون مربوطه، متناسب با اهمیت جرم اقداماتی نظیر، ضبط، مصادره و یا امحاء و... در نظر گرفته شود.

• از آنجا که اثبات سوء نیت متهم در جرائم علیه حقوق مالکیت صنعتی امری دشوار است؛ و نهایتاً عدم اثبات آن ضرر مضاعف زیان دیده را در پی دارد؛ در این دسته از جرائم سوء نیت متهم مفروض در نظر گرفته شود.

References

منابع

[۱] شاه آبادی، ابوالفضل و سپهر دوست، حمید و جامه بزرگی، آمنه، ۱۳۹۱، "تأثیر حمایت از حقوق مالکیت فکری بر مهاجرت نخبگان از کشورهای منتخب در حال توسعه و توسعه یافته"، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۵(۱)، صص. ۹۸-۸۷.

[۲] شیخی، مریم، ۱۳۸۵، "ضمانت اجراهای گمرکی نقض حقوق مالکیت صنعتی: مطالعه تطبیقی"، *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، ۴۱، صص. ۱۲۴-۹۱.

[۳] اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۱، "حق اختراع با لحاظ موافقت نامه جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (TRIPS)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

[۴] شیخی، مریم، ۱۳۸۶، "راهکار کیفری مقابله با نقض حقوق مالکیت صنعتی: با لحاظ حقوق تطبیقی"، *فصلنامه فقه و حقوق*، ۱۳، صص. ۲۰۲-۱۷۷.

[۵] اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۷، *حقوق جزای عمومی*، نشر میزان.

[۶] مسعود، طارم سرم، ۱۳۸۵، "اهمیت اقتصادی بازرگانی حقوق مالکیت معنوی"، *همایش سازمان ثبت اسناد و املاک تهران*، ۲۰ و ۲۱ آذرماه، صص. ۱۰-۳.

[۷] مهاجری، علی، ۱۳۸۶، *آئین رسیدگی در دادرسی*، انتشارات فکرسازان.

[33] Rao, M.B. and Manjula G Kura, 1994, *Understanding TRIPS: Managing Knowledge in Developing countries*, Response Books.

[۳۴] شایسته، شوکت، ۱۳۸۹، "حمایت از نشانه‌های جغرافیایی"، انتشارات سمت.

[۳۵] قدک، عبدالرسول، ۱۳۸۷، "تقریرات حقوق علائم تجاری"، دانشگاه شهید بهشتی.

[۳۶] میر حسینی، سید حسن، ۱۳۸۵، *حقوق نشانه‌های جغرافیایی*، نشر میزان.

[۲۹] السان، مصطفی، ۱۳۸۴، "حقوق اسرار تجاری در عصر فناوری اطلاعات"، *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۵۰-۵۱ صص. ۲۷۳-۳۱۲.

[30] Sterenckert, A.B., 2005, *Critical Incident Management*, CRC Press, USA.

[۳۱] پورسید، بهزاد، ۱۳۸۶، "قانون تجارت الکترونیک و نوآوری‌های آن"، *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۵۹ صص. ۴۹-۶۰.

[۳۲] جاویدنیا، جواد، ۱۳۸۶، "نقد و بررسی جرائم مندرج در قانون تجارت الکترونیک"، *فصلنامه حقوقی دادگستری*، ۵۹ صص. ۱۲۵-۱۸۰.

Archive of SID

Industrial Property Rights: A commentary on the Criminal Remedies in the Iranian Jurisprudence

Meysam Akbari Dehno^{1*}, Asiyeh Akbari²

- 1- Master's Student, Department of Law,
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
- 2- University Lecturer and Social Science
Researcher

Abstract

One of the important factors for economic development in Iran is Patent Rights. In kind which planing and making a process enables considribly our legal system to reach a deep support in this area, and also helps the economic, industrial, and social developments.

For this reasons, different Legal Systems have provided various resolutions for favourite of industrial property. In this regard the popue of our current Criminal law to is that to support fully from Patent Rights. It also admonish to violator and public that observe Patent Rights, through count practices that lead to violate against Patent Rights as crime.

Hence, the capacity of our criminal law must be analyzed in regard to Patent Rights, to reach, on one hand, what elements are in favoure of Patent Rights, and on the other hand, at present, does domestic law meet requirments of criminal support of Patent Rights? And what are the advantages and disadvantages of our law? This paper seeks to dealth with these issues.

One of the most important factors for economic development is protection of intellectual property rights .

For this reasons, different legal systems have adopted various laws to support intellectual

property rights. In this regard the purpose of Iran's current criminal laws is the full support of the property rights by passage of the patent laws. The relevant Iranian laws also define those practices that lead to violation of patent rights and consider them as criminal conducts.

Hence, the capacity of our criminal laws must be analyzed in regard to enumeration of the rights granted under the patent laws, and examination of whether the domestic laws meet requirments of criminal support of patent pighits? Furthermore, the advantages and disadvantages of our law must be examined. This paper seeks to deal with all of these issues.

Keywords: Industrial Property Rights, Criminal Law, Law, Crime, Punishment.

* Corresponding Author: meysam.dehno@gmail.com